

لیله مبارکه بعثت حضرت رب اعلی

- ۱- ذکر دسته جمعی "تعالی الکریم ذو الفضل العظیم" ۹ بار
- ۲- لوح مبارک که مخصوص شب بعثت از قلم جمالقدم جلّ جلاله نازل شده
- ۳- حضرت اعلی در افکار و اخلاق و اطوار و احوال ایرانیان تأثیر عجیب نمود
- ۴- قسمتی از بیانات مبارکه حضرت باب در رساله عدلیه
- ۵- نطق مبارک حضرت عبدالبهاء روز پنجشنبه پنجم جمادی الاولی سنه ۱۳۳۴
- ۶- تنفس
- ۷- شب بعثت
- ۸- اظهار امر حضرت باب اولین زمان نزول وحی به ایشان نیست
- ۹- اولین خانمی که به شرف ایمان مشرف گشتند.
- ۱۰- ایمان جناب طاهره
- ۱۱- وقایع بعد از بعثت
- ۱۲- برنامه محلی

الاقدم الاكبر الاعلى

قد نطق اللسان بأعلى البيان و نادى الكلمة بأعلى النداء الملك لله خالق السماء و مالك الأسماء و لكنّ العباد أكثرهم من الغافلين. قد أخذت ترنمات الرحمن من في الإمكان و أحاط عرف القميص ممالك التقديس و تجلّى اسم الأعظم على من في العالم و لكنّ الناس في حجاب مبين. أن يا قلم الاعلى عنّ على لحن الكبرياء لأتاً نجد عرف الوصال بما تقرب يوم الذى فيه زين ملكوت الأسماء بطراز اسمنا العليّ الاعلى الذى اذا ذكر لدى العرش غنت الحوريات بدواعي التغمات و هدرت الورقاء بدواعي الالحن و نطق لسان الرحمن بما انجذب منه ارواح المرسلين ثم ارواح المخلصين ثم ارواح المقربين. هذه ليلة طلع صبح القدم من أفق يومها و استضاء العالم من انواره التي أشرق من ذلك الأفق المنير. قل انه ليوم فيه أخذ الله عهد من ينطق بالحق إذ بعث من بشر العباد بهذا التبا العظيم و فيه ظهرت آية الأعظم ناطقاً بهذا الاسم العظيم و انجذب فيه الممكنات من نفحات الآيات. طوبى لمن عرف مولاه و كان من الفائزين قل انه لقسطاس الأعظم بين الأمم و به ظهرت المقادير من لدن عليم حكيم قد أسكر أولى الأبواب من رحيق بيانه و خرق الأحجاب بسطان اسمي المهيمن على العالمين. ... قد قدر لكل نفس أن يستبشر في هذا اليوم و يلبس أحسن ثيابه و يهلل ربه و يشكره بهذا الفضل العظيم. طوبى لمن فاز بمراد الله و ويل للغافلين. لما نزل هذا اللوح في هذا الليل أحببنا أن نرسله إليك فضلاً من لدنا عليك لتكون من الشاكرين. إذا فزت به أن أقره بين الأحباب ليستمعن الكل ما تكلم به لسان العظمة و يكونن من العاملين. كذلك اختصناك و زيناك بما زينت به هياكل المخلصين الحمد لله رب العالمين.

۳- حضرت اعلی در افکار و اخلاق و اطوار و احوال ایرانیان تأثیر عجیب نمود

اما حضرت اعلی روحی له الفدا در سنّ جوانی یعنی بیست و پنج سال از عمر مبارک گذشته بود که قیام بر امر فرمودند . و در میان طائفه شیعیان عموماً مسلم است که ابداً حضرت در هیچ مدرسه ای تحصیل نفرمودند و نزد کسی اکتساب علوم نکردند و جمیع اهل شیراز گواهی میدهند . با وجود این به منتهای فضل بگتّه در میان خلق ظاهر شدند و با آنکه تاجر بودند جمیع علمای ایران را عاجز فرمودند . بنفس فرید بر امری قیام فرمودند که تصوّر نتوان زیرا ایرانیان به تعصب دینی مشهور آفاند این ذات محترم به قوتی قیام نمود که زلزله بر ارکان شرایع و آداب و احوال و اخلاق و رسوم ایران انداخت و تمهید شریعت و دین و آئین نمود . با وجود اینکه ارکان دولت و عموم ملت و رؤساء دین کلّ بر محویت و اعدام او قیام نمود منفرداً قیام فرمود و ایران را بحرکت آورد . چه بسیار از علما و رؤسا و اهالی که در کمال مسرت و شادمانی جان در راهش دادند و به میدان شهادت شتافتند . و حکومت و ملت و علمای دین و رؤسای عظیم خواستند که سراجش را خاموش نمایند نتوانستند عاقبت قمرش طالع شد و نجمش بازغ گشت و اساسش متین شد و مطلعش نور مبین گشت . جمّ غفیری را به تربیت الهیّه پرورش داد و در افکار و اخلاق و اطوار و احوال ایرانیان تأثیر عجیب نمود و جمیع تابعین رابه ظهور شمس بهاء بشارت داد و آنانرا مستعدّ ایمان و ایقان کرد . و ظهور چنین آثار عجیبه و مشروعات عظیمه و تأثیر در عقول و افکارعمومیّه و وضع اساس ترقی و تمهید مقدمات نجاح و فلاح از جوانی تاجر اعظم دلیلت که این شخص مرتبی کلی بوده شخص منصف ابداً توقّف در تصدیق نمینماید .

مفاوضات حضرت عبدالبهاء ص ۱۹

۴- قسمتی از بیانات مبارکه حضرت باب در رساله عدلیه

بدان که خداوند عالم کسی را منتخب از برای حفظ دین حجت خود فرموده و حجتهای وافیه و براهین قاطعه برید و جاری فرموده که در اعجمیین نشوونما نموده و در این آثار حقه نزد احدی تعلیم نگرفته بل امّی صرف بوده در مثل این آثار و تاحال مشاهده نشده که کسی در عجم نشو و نما نماید و ممکن نیست بعد از این که قدرت داشته باشد به این نوع از کلمات که بُلغاء از فصحاء و حکما از عرفا اظهار عجز و عدم علم به ظواهر معانی آنها نموده اند و حال آنکه حروف بیست و نه گانه به ید علماء بوده و هست و این نهج بدیع بر ید احدی جاری نگشته و ممکن نیست هرگاه عالمی قلم دست گرفت و بدون اخذ از کتاب الله برفطرت آیاتی نوشت ظاهر میشود که امر به غایت عظیم و صعب است و در حق احدی ممکن نیست الا من شاء الله و از آنجایی که قدرت کامله خداوندی تام است، سوای این آیه عظمی و حجت کبری شئون لاهوتیه عجیبه به صاحب این نفس عطا فرموده که که هر ذی روحی یقین نماید که این آیات به غیر از خداوندی در حق احدی ممکن نیست مثل آنکه در عرض دوازده ساعت یک صحیفه محکمه بلا تأمل از قلم آن جاری می گردد کدام حجت از این عظیمتر است که انسان به مقام روح مناجات که مقام انس با محبوب است ، رسیده باشد.

پیام آسمانی ج ۲ ص ۲۱۵

۵- نطق مبارک حضرت عبدالبهاء روز پنجشنبه ۹ مارچ ۱۹۱۹ مطابق پنجم جمادی الأولى سنه ۱۳۳۴

امروز روزیست که آسمان منطوی شد امروز روزیست که آفتاب بر هم پیچیده گشت امروز روزیست که قمر منشق شد امروز روزیست که ستاره‌ها منتشر شد (۱) امروز روزیست که جبال سیر و حرکت کرد امروز روزیست که اموات از قبور بیرون آمد حشر شد نشر گردید میزان منصوب شد صراط ممدود گشت اسرار ارض ظاهر و هویدا گردید. ابواب جنت مفتوح شد شعله جحیم برافروخت اینها جمیع علائم یوم قیامت است. حضرت اعلی میفرمایند که در یکدقیقه این وقایع واقع گشت در طرفه العین خمسین الف سنه منقضی شد و جمیع این وقایع ظاهر گشت زیرا اینها وقایع معنویّه است نه وقایع جسمانیّه.

ایام تسعه ص ۱۱۴

۹- اولین خانمی که به شرف ایمان مشرف گشتند.

قبل از جناب ملا حسین ، حرم مبارک حضرت ربّ اعلی می دانستند که همسرشان مقام عظیمی دارند و خودشان به این مضمون حکایت کرده اند که از حرکات و رفتار و حالات حضرت پی برده بودم که ایشان شخص بزرگوار و عالی مقام هستند اما هرگز نمی دانستم که قائم موعود می باشند تا شبی که ملا حسین آمد و بعد از صرف شام به من اجازه دادند که بروم بخوابم ولی من تا سحر صدای مبارک را می شنیدم که با ملا حسین صحبت می فرمودند و یا آیات تلاوت می کردند و بعد واقع شد آنچه واقع گردید... حرم مبارک حضرت اعلی به فرموده جمال اقدس ابھی اولین خانمی بودند که به شرف ایمان مشرف گشتند. معظم لها در سال ۱۲۹۹ هجری قمری برابر ۱۸۸۲ میلادی در شیراز صعود کردند.

سلطان رسل حضرت ربّ اعلی ص ۸

در بعد از ظهر آن روز گرم بیست و دوم ماه مه، ملاحسین، بعد از سفری خسته کننده و فرساینده از ساحل دریا تا آن مدینه که از طریق جاده‌های خطرناک در فلاتی رو به بلندی و ارتفاع صورت گرفته، سخت خسته بود. اما ذهن او مترصد و روح او مشتاق آسایش و آرامشی بود که وصول به هدف برایش به ارمغان می‌آورد. همچنان با جوانی جذب و گیرا مواجه شد. مرد جوان بسیار وقور و رثوف بود. در نهایت محبت به او سلام کرد و ورودش را خوش آمد گفت. مرد جوان او را دعوت کرد تا در خانه اش مهمان شود و شام را در منزل او صرف کند. شیراز ملا حسین را محسور خود ساخته بود. اما ابداً به فکرش خطور نمی‌کرد که میزبان جوانش، که بیانش طنین اقتدار داشت، همان "صاحب الزمان" یا "قائم آل محمد" باشد که او در طلبش سعی و جاهد بود. آنها با یکدیگر به ادای نماز پرداختند. بعد نشستند و به صحبت مشغول شدند. ناگهان میزبان از ملا حسین پرسید: بعد از جناب سید کاظم رشتی مرجع مطاع شما کیست؟ بعد افزود آیا استاد شما جزئیات علائم مشخصه موعود را به شما گفته است؟ ملاحسین پاسخ داد: مرحوم سید کاظم به شاگردانش دستور داده که بعد از وفات ایشان هر یک از شاگردان باید ترک وطن گوید و در اطراف به جستجوی صاحب الزمان پردازد و برای حضرت موعود اوصافی مخصوص و امتیازاتی بخصوص معین فرموده است. حضرت موعود از خاندان نبوت و رسالت است از اولاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله است. سن مبارکش وقتیکه ظاهر می‌شود کمتر از ۲۰ و متجاوز از ۳۰ سال نیست دارای علم الهی است از شرب دخان برکنار و از عیوب و نواقص جسمانی منزّه و مبرا است. آنگاه سکوت حکمفرما شد، - که قبل از طلوع فجر واقع می‌شود. ملا حسین برای ما حکایت کرده است که میزبان او آن سکوت را با "لحن پر طنین" خود شکست و فرمود: ملاحظه کنید. تمام این علامات در من مشهود است و ظاهر است. سراپای ملاحسین را لحظه ای حیرت و دهشت فراگرفت. سعی کرد در برابر چنان ادعای خارق العاده و بی نظیری مقاومت کند. اما حقیقت در مقابل روی او قرار داشت. ملا حسین دلائل و براهینش را در ذهن خویش نظم و آرایشی بخشید تا احتجاجش را شروع کند. اما حقیقت، نفس دلیل و برهان بود. ملا حسین عرض کرد نفسی که در انتظار او هستیم، از تقدسی والا و فوق العاده برخوردار، و امری که اظهار می‌فرماید از قوت و قدرتی خارق العاده بهره مند است. بارها سید مرحوم به وسعت علم حضرت موعود اشاره می‌فرمود ملا حسین در گذشته رساله ای در خصوص برخی از عقاید و تعلیمات غامضی که شیخ احمد و سید کاظم اظهار داشته بودند، نوشته بود. آن را به میزبان تقدیم کرد. میزبان بعد از نگاهی سریع به سراسر آن رساله، نه تنها معضلات آن را توضیح داد بلکه حقایق و اسراری به مراتب بیش از آن بیان نمود. سید کاظم قبلاً در جواب ملا حسین که از وی خواست تفسیری بر این سوره قرآنی (سوره یوسف) بنویسد گفته بود، "فی الحقیقه این امر از عهده من خارج است. نفس عظیمی که بعد از من می‌آید، بدون آن که از او خواسته شود، این تفسیر را برای تو نازل خواهد کرد. آن تفسیر یکی از اعظم دلائل و براهین بر حقانیت او، و یکی از روشن ترین شواهد بر عظمت مقام و جلالت شأن حضرتش خواهد بود." میزبان ملاحسین به او فرمود: "اینک وقت نزول تفسیر سوره یوسف است."

ملا حسین نقل می‌کند که "پس قلم برداشته و با سرعت خارج از تصور، سوره الملک را که اولین سوره آن تفسیر مبارک است نازل فرمود. حلاوت صوت مبارک که در حین نزول آیات ترتّم می‌فرمودند، بر قوت تأثیر کلمات مبارکه اش می‌افزود. جریان نزول آیات

که از کلک اطهر منهمر بود لحظه ای متوقف نشد. حضرتش ابداً درنگ نفرمود تا سوره الملك خاتمه یافت. در آن وقت ظهور جدیدی تولّد یافت.

برگرفته از صص ۳ الی ۸ باب (حسن موقر بالیوزی)

۱۰-ایمان جناب طاهره

برخی از شاگردان جناب سید با توجه به قرائن و امارات موجود در آیات قرآن شریف و روایات رسول اکرم وائمه اطهار و اشارات خودسید برای یافتن موعود عازم اقلیم فارس گشتند... روایات چندی در کتب حدیث در باب تولد قائم موعود در فارس ملاحظه میگردد که اشهر آنها روایت "وقیل: یولد فی الفرس" است. (گفته شده که قائم در فارس متولد میشود.)

از جمله نفوسی که راهی فارس گردیدند جناب ملامحمد علی قزوینی پسر دائی و شوهر خواهر طاهره بود که عازم شیراز گشت تا شاید رائحه معطره به مشامش رسد و به حضور موعود عالمیان شرفیاب شود. طاهره سخت به ملامحمد علی اعتماد داشت و مطمئن بود که وی با نهایت خلوص در پی محبوب خویش است و عوامل فریبای جهان خاک او را از مقصد شریفش باز نخواهد داشت. لذا عریضه ای به حضور موعود تقدیم نمود و آن را به ملا محمد علی سپرد تا چون به محضر شریف صاحب الزمان شرفیاب شود، به ساحت مبارکش دهد. ملامحمد علی به شیراز رفت و بوسیله ملاحسین بشرویه به حضور مبارک حضرت باب مشرف گردید و افتخار ایمان یافت. هنوز از تاریخ اظهار امر حضرت باب دوماه نگذشته بود که عریضه طاهره به لحاظ انورشان رسید و بلافاصله او را از حروف حی محسوب فرمودند. ملامحمد علی فوراً مراتب را به اطلاع طاهره رسانید و این منقبت عظمی را به وی ابلاغ داشت.

حضرت طاهره جناب محمد حسینی ص ۱۸۷

آثار حضرت باب عمداً و صریحاً این دو واقعه را از یکدیگر تفکیک می کند . ۵ جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ زمان اظهار امر حضرت باب است و از نظر ایشان سرآغاز مدتیّت جدید است . اما آثار حضرت باب از تاریخ ها و تجربیات گوناگونی که مربوط به مکالمه درونی و روحانی خودشان با خداست سخن می گوید و این حوادث و تجربیات کلاً از اظهار امر حضرت باب و سرآغاز دور جدید تفکیک می گردد. به عنوان مثال در کتاب الفهرست حضرت باب نخستین نزول وحی بر قلبشان را در تاریخ ۱۵ ربیع الاول سال ۱۲۶۰ یعنی ۵۰ روز پیش از اظهار امر در ۵ جمادی الاولی ۱۲۶۰ مشخص می فرمایند: " انّ اوّل قد نزل الروح علی قلبه قد کان یوم النصف من شهر عین الاول " . به علاوه در آثار دیگر آن حضرت از تجربیات و حوادث درونی دیگری سخن به میان می آید . مثلاً در سرآغاز تفسیر سوره بقره می فرمایند که آغاز نزول این تفسیر مقارن خوابی بود که حضرت باب دیدند و این خواب در شب وفات سید کاظم رشتی در کربلا صورت می گیرد. در این خواب حضرت باب می بینند که کربلا تبدیل به مجموعه ای از ذرات شده ، از زمین عروج کرده و در مقابل چشمان حضرت باب در شیراز متبلور و متجسم می گردد. آشکار است که این خواب که حدود ۴ ماه پیش از اظهار امر حضرت باب صورت گرفت هم شکل دیگری از تجربه درونی رسالت ایشان است. به علاوه حضرت باب در تفسیر سوره یوسف از این واقعیت که خداوند از صغر سن حکمت و علم را به ایشان تعلیم داد سخن می گویند. می بینیم که حضرت باب عمداً مفهوم اظهار امر و آغاز دیانت را از مسئله شخصی و مابعدالطبیعه مکالمه و ارتباط درونی ایشان با خدا راجدا می نمایند

پیام بهائی شماره ۳۴۲ می ۲۰۰۸ نگاهی کوتاه به اظهار امر حضرت باب نادر سعیدی

چون خبر ظهور باب در شیراز به توسط مراسلات حاجیان شیرازی که از مکه و مدینه فرستاده، شهرت یافت، علمای دینی شیعه که در آن ایام سطوت کلیه داشتند، برضد باب قیام کردند و حسین خان نظام الدوله والی فارس را که حاکمی مستبد و متعصب و فوق العاده محب و مطیع علماء بود برضد باب و قلع و قمع اصحاب او تحریر و ترغیب نمودند. حسین خان نخست ده سوار به جانب بوشهر فرستاد که باب را به شیراز آوردند و این سواران در اثنای راه فی مابین بوشهر و شیراز به باب رسیدند و در مصاحبت او عازم شیراز شدند. چون باب به شیراز رسید والی مذکور مجلسی منعقد نمود و اکابر علمای فارس را در آن مجلس دعوت کرد و باب را نیز در آن مجمع احضار نمود. باب در محضر والی و اکابر فارس و علمای اعلام در کمال حریت و جرأت امر خود را اظهار نمود و مذکور داشت که حضرت رب الوری باب خود را ارسال فرموده است و او را به نزول آیات الهیه بر قلم و لسانش مؤید داشته تا به این حجت واضح ... حقیقت او بر اهل عالم ثابت شود و موجب هدایت ایشان به مرجع و مآب خود گردد. علمای اسلام از شنیدن لفظ نزول آیات نزدیک بود دیوانه شدند ... و به این سبب کبار علمای شیراز فتوی بر قتل باب دادند و والی فارس بر اهانت باب و ضرب و توبیخ او و منع اتباعش فروگذار نمود. و باب را به کفالت خالش حاجی میرزا سید علی تاجر مذکور مقرر داشتند که در خانه نشیند و با کسی مرادده نکند. باب به حکم والی چندی در خانه خود نشست و در بر روی کسی نگشود لکن عدد اتباعش یوما فیوما می افزود و ذکر ظهور و بروز فضائلش در اطراف ایران انتشار می یافت. و در این اثناء جمعی از کبار علمای ایران و اکابر آن مملکت بر حقیقتش تصدیق کردند و در ترویج امرش ساعی شدند از قبیل سیدی حبی دارابی فرزند ارشد سید جعفر کشفی و ملا محمد علی زنجانی و حاجی سید جواد کربلایی و در طهران حضرت بهاء الله و کثیری از این قبیل. و لذا دیگر باره علمای شیراز به شورش آمدند و اتباع باب را بداعیه مطالب سیاسی متهم کردند و والی فارس را بر قتل باب تحریر نمودند.

کتابهای سبز جلد نهم ص ۴ اثر جناب ابوالفضائل گلپایگانی